

داشتن حساب در بانک

۵ - بهره - کارمزد - هزینه

برای تأمین هزینه داری و پیش بینی خطر هائیکه برای سرمایه های وام داده شده موجود است و نیز برای تأمین درآمد سرمایه خود بانکها در مقابل وامها و کار هائیکه برای مشتریان انجام میدهند بهره و کارمزد هائی بقرار ذیل دریافت میکنند :

۱ - بهره

در قانون مدنی که از سال ۱۳۰۷ بموقع اجرا گذارده شده است ذکری از بهره بول نشده ولی در ماده ۶۵۳ میگوید: «مقرض میتواند بوجه ملزومی به مقرض و کالت دهد در مدتی که قرض بر ذمه او باقی است مقدار معینی از دارائی مدیون را در هر ماه یا در هر سال مجابا بخود منتقل نماید» گرچه ظاهرأ در این ماده ذکری از بهره بمیان نیامده ولی چون موضوع در فصل وام ها ذکر شده و ماهیانه یا سالیانه مقرر گردیده است مقصود معنی بخوبی از آن واضح میشود.

قبل از اجرای قانون مدنی قانون تأسیس مؤسسه رهنی دولتی مصوب ۱۰ آبانماه ۱۳۰۵ در مواد ۲ و ۵ و ماده الحاقیه خود برای اولین مرتبه در قانون گزاری ایران بهره را زیر عنوان حق الحفظه و مال الصلح و مال الاجاره اجازه داده و برای آن حدی نیز قائل شده است بدین قرار :

در ماده ۲ قانون مزبور بمؤسسه رهنی حق میدهد بمأخذ صدی ۹ مبلغ قرضه در سال بعنوان حق الحفظه از وام گیرنده دریافت کند.

نیز ماده ۵ بمؤسسه اجازه میدهد تا میزان دو نلت حق الحفظه بکسانیکه پول در نزد آن امانت بگذارند بپردازد.

همچنین ماده الحاقیه عملیات فوق را کلیت داده می گوید :

«مأخذ هر وجهی که در سایر معاملات استقراضی مؤسسات و اشخاص بعنوان حق الحفظه و مال الصلح و مال الاجاره معمول میباشد حداکثر آن صدی ۱۲ خواهد بود و محاکم عدلیه نسبت بمبالغیکه علاوه بر میزان فوق قرار داده شود حکم نخواهند داد»

ماده اخیر از هر جهت راه دریافت بهره را بیش از ۱۲ / بسته است - واضح است منظور مقنن جلو گیری از احتیاف صاحبان پول بوام گیرندگان است چون در مواقع اضطرار دسته اخیر بقبول هر شرطی حاضر میشوند همچنین قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران مصوب ۱۴ اردیبهشت ماد ۱۳۰۶ بانک ملی ایران اجازه داده است بموجودیهای اشخاص که بیش از ده تومان باشد (حق المضاربه) بپردازد چون همین قانون عملیات بانک را تابع آئین نامه های داخلی آن قرار داده و آئین نامه های مزبور مطابق اصول بانکی دنیا تهیه شده و شامل تعرفه های برای بهره و کارمزد میباشد و از طرف دیگر دادن بهره بدون دریافت آن غیر ممکن و باعث ورشکستگی هر هنگامی میشود در اینجا نیز قانون بانک حق دریافت بهره و کارمزد داده است.

از طرف دیگر مواد ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۶ اسفندماه ۱۳۱۰ نیز تا ۱۲ / بابت خسارت تأدیه وام بمحاکم اجازه صدور حکم داده است.

بالاخره ماده ۷۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۲۵ شهریورماه ۱۳۱۸ نیز حداکثر خسارت تأخیر تأدیه را معادل ۱۲ درصد مقرر داشته و هر مبلغی علاوه بر آن

برداشت حساب او را بدهکار مینمایند خواه حساب بدهکار باشد یا بستانکار.

اگر پرداخت یا برداشتی از یک حساب بوسیله حواله کتبی یا تلگرافی بعمل آید تاریخ محاسبه بهره نسبت بمبلغ معامله بارعایت قواعد بالا از روزی است که پول وارد حساب شده یا از آن خارج گردیده است و تاریخ صدور حواله را در نظر نمیگیرند مثلاً اگر مشتری مبلغی از شهر دیگری بتهران برای نقل به حساب خود حواله نماید روز ورود حواله بحساب مشتری روز شروع محاسبه بهره خواهد بود و تاریخی که مشتری حواله را صادر کرده است در نظر گرفته نخواهد شد اگر چه پول حواله بوسیله شعبه همان بانک فرستاده شده باشد.

اگر مشتری در یک روز چند برداشت و چند پرداخت کند بانک نباید برداشتهای او را همانروز محسوب و پرداختها را از روز بعد مأخذ محاسبه بهره قرار دهد بلکه باید نتیجه و مانده عملیات روزانه مشتری را منظور دارد یعنی اگر مانده آن بفتح مشتری بود از روز بعد و اگر بفتح بانک بود از همانروز مأخذ محاسبه بهره قرار دهد. معمولاً بانکها مقررات فوق را در شرایط عمومی خود که بامضای مشتریان میرسد ذکر مینمایند و یا متذکر میگرددند که مشتری از عرف بانک مطلع و آنها را پذیرفته است.

ج - بستن حسابها (۱)

تعیین موعد بستن حسابها قراردادی است و معمولاً حسابهای بدهکار زودتر از حسابهای بستانکار بسته می شوند مثلاً حسابهای بدهکار را سه ماه سه ماه و حسابهای بستانکار را ششماه بششماه یا سال بسال می بندند - در هر حال این مسئله بسته بشرائط قراردادی است که طرفین

را بهر اسم و رسمی که باشد غیر قابل مطالبه دانسته است از مجموع مقررات مذکور نتیجه میشود که بانکها حق دریافت فرع از وام گیرندگان دارند ولی نرخ بهره جمماً نباید از ۱۲٪ در سال تجاوز نماید.

در محاسبه بهره چند چیز مداخله دارد:

الف - نرخ

نرخ در حسابجاری بر حسب نوع معامله و بدهکار و بستانکار بودن حساب فرق میکند مثلاً نرخ پیش پرداختها و اعتبار در حسابجاری بیشتر از نرخ اعتبارات عادی است و بانکهاییکه به حساب های بستانکار بهره میدهند همیشه نرخ این بهره کمتر از کلیه نرخهایی است که بانک دریافت میکند.

بعضی از حسابها گاهی بدهکار و گاهی بستانکار میباشند و گاهی طی قرارداد مقرر میشود که هر وقت حسابجاری بدهکار یعنی مشتری ببانک مدیون باشد نرخ بیشتر و هر وقت مشتری طلبکار و حساب او بستانکار باشد نرخ کوچکتری محسوب خواهد شد و یا اصلاً فرع بدان تعلق نمیگیرد - ممکن است در صحت چنین قراردادی که بهره طرفی بیشتر از بهره طرف دیگر باشد تردید کرد ولی چون از طرفی پایه سازمان معاملات بانکها بر روی همین اصل یعنی وام گرفتن بانفع کم و وام دادن با بهره بیشتر است و از طرف دیگر کثرت معاملات و تعداد این گونه قراردادها آنها را جزء عرف بانکی قراردادها باید صحت آنها مورد تصدیق قرار دهیم

ب - تعیین تاریخ برای محاسبه بهره

در مورد حسابهای بستانکاریکه از بانکها بهره میگیرند رسم است پرداختهای صاحب حساب را از فردای روز پرداخت برای محاسبه بهره در نظر میگیرند ولی اگر حساب بدهکار بوده و بانک بهره بهر دوازدهمان روز پرداخت مبلغ آنرا از بدهی حساب کسر مینمایند در مورد برداشت صاحب حساب در هر حال همانروز

۱ - برای توضیح شرائط بستن حسابها و توقیف دارائی مشتری رجوع شود بمجموعه حقوقی شماره های ۴۷ و ۴۹ سال دوم نگارش حسن رستار.

بمشتري تسليم ميکند يا بحساب مشتري زروسيه وارز و اوراق بهادار خريده و فروش ميکند يا بول از شهري به شهر ديگر يا بکشورهاي بيگانه انتقال مي دهد يا اوراق اعتبارنامه قابل پرداخت در غالب مراکز بزرگ دنيا بنام مشتري صادر مينمايد و امثال اينها - گاهي در باز کردن اعتبار و دادن پيش پرداخت نيز بانك کارمزدهائي علاوه بر بهره دريافت مينمايد و حتي از حسابهائيکه بمبالغ زياد ميباشند و گردش فراوان دارند کارمزد نگهداري حساب بستانکار نيز گرفته ميشود - اگر در مورد اعتبارات و وامها و پيش پرداختها کارمزد گرفته شود بايد جمع کارمزد و بهره ايکه مشتري بوام ميپردازد از ۱۲٪ تجاوز نکند مگر آنکه بانك در برابر گرفتن کارمزد براي مشتري کاري نيز انجام دهد تا کارمزد از آن بابت محسوب گردد و الا دريافت مبالغ پيش از ۱۲٪ از بدهکاران ممکن نخواهد بود. بانكها معمولاً نرخ بهره و کارمزدهائيرا که براي انجام تقاضا هاي مشتريان دريافت ميکنند در دفترچه هائي بنام تعرفه همگاني چاپ کرده در دسترس عموم ميگذارند.

۳ - هزينه

علاوه بر بهره و کارمزد هزينه هائيکه بانك براي انجام کارهاي مشتري متحمل ميشود بحساب او ميگذارد مانند هزينه تلگراف و هزينه هائيکه بانك خود بکار گزاران ديگر ميپردازد و هزينه تمبر و هزينه قضائي و غيره همچنين هزينه هائيکه بانك بابت حمل و نقل و بيمه و عمليات گمرکي و امثال آن ميپردازد از مشتري گرفته ميشود.

بايد دانستکه بنام ثبت ارقام در دفتر يا نوشتن اوراق و نامه ها و امثال آن بانك نميتواند چيزي از مشتري دريافت کند و فقط هزينه هائي قابل مطالبه هستند که مخصوصاً و منحصرأ براي انجام تقاضاي مشتري پيش آمده باشد و جزء عمليات معمول نگهداري حسابها محسوب نگردد - اما اگر يك مشتري بمبالغ کلي پول نقد بک

در موقع باز کردن حساب منعقد ميکنند و اگر قرارداد مخصوصي بسته نشود تابع عرف بانك خواهد بود بايد در نظر داشت که چون طبق قوانين ايران پيش از ۱۲٪ بهره نميتوان دريافت کرد اگر ربح مرکبي که بواسطه بستن حسابها در آخر هر سه ماه و افزودن بهره و سرمايه حاصل ميشود در يکسال جمعاً از ۱۲٪ بگذرد دريافت آن از بدهکار غير ممکن ميشود و محاکم در اين باب حکم نخواهند داد بهمين جهت بانكها سعي ميکنند در آخر هر سه ماه تصديق صحت صورت حساب را که براي مشتري ميفرستند از او بگيرند و اگر مشتري از ارسال تصديق صحت صورت حساب که بمنزله گواهي مبلغ جديد بدهي او و شروع مجدد حساب است خود داري کند بانك حساب او را بسته و طلب خود را با بهره تاخير تاديه مطالبه خواهد کرد مگر آنکه مشتري طرف اعتماد کامل بانك باشد که در اينصورت بحساب او ادامه داده خواهد شد.

بايد دانست که هر وقت حسابي بسته شد بهره آن بايد بموجودي حساب افزوده شود زيرا چنانکه ديديم يکي از خواص حسابجاري اين است که ارقام مختلف برداشت و پرداخت يعني طلب و بدهي هر يك از طرفين تماماً وارد حساب و توأم ميشوند و فقط مانده حساب در نظر گرفته خواهد شد - چون در موقع بستن حساب فرع حساب شده و مشتري برابر آن از بانك طلبکار (يا ببانك بده کار) خواهد بود مبلغ مزبور نيز بايد فوراً وارد حساب گشته با ساير اقلام توأم گردد.

۲ - کارمزد

بانكها در برابر خدمات گوناگون که براي مشتريان و مراجعه کنندگان انجام ميدهند حق الزحمه هاي جزئي دريافت ميکنند که بکارمزد موسوم است مثلاً مشتري براي عهده تاجري در يك شهر دور دست يا در خارج کشور دارد بانك با وسائلي که در دست دارد برات او را بمحل مسکن براتگير رسانيده پول آنرا دريافت و

بانک سپارد بدون آنکه بانک مزبور احتیاجی بیول داشته باشد ممکن است بانک برای نگهداری آن پول و عملیات برداشت و پرداخت آن کار مزد جزئی دریافت کند .

کلیه کارمزدها و هزینه‌ها بعهده مشتری یعنی به عهده کسی است که کاری ببانک رجوع کرده است مگر آنکه مشارالیه از بانک تقاضا کند وجوه مزبور را از براتگیر یا شخص دیگری وصول کند و شخص اخیر نیز آنرا بپردازد شرط اخیر را غالباً بانکها در شرایط عمومی یا تعرفه همگانی خود ذکر مینمایند .

سرور زمان

گاه اتفاق میافتد که بواسطه کمی موجودی حساب و مایل نبودن مشتری بادامه حساب یا سفر مشتری یا قوت او و عدم اطلاع وراثت از موجود بودن حسابی بنام متوفی (بواسطه کامل نبودن نشانی متوفی یا تغییر نشانی او) موجودی حساب مدتها در نزد بانک باقی می ماند بدون اینکه حساب گردشی داشته و دریافت و پرداختی در آن بعمل آید . نگهداری اینگونه حسابها عموماً باعث زحمت و افزایش کاربانکها و حسابداران میبشد بدون اینکه فایده‌ای از آن مترتب باشد .

بانکها در مورد حسابهای بستانکاریکه از بانک بهره‌دویافت میکنند در قرارداد معامله مدت حسابرا قید مینمایند و پس از انقضاء آن برای خود حق بستن حساب و پرداختن سود قائل میشوند .

در مورد اصل موجودی حساب قانون ۲ تیرماه ۱۳۰۸ مدت سرور زمان را در مورد دیون ده سال مقرر داشته و تاریخ شروع آن را از روزیکه دائن مستحق مطالبه گردد قرار داده بود و در مورد بدهیهای عندالمطالبه اگر دائن اقدام بمطالبه نمیکرد سرور زمان شروع نمیشد .

قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۲۵ شهریور ماه ۱۳۱۸ در ماده ۷۳۷ نیز مدت سرور زمان را

«در کلیه دعاوی راجعه باموال اعم از منقول و غیر منقول»
«و حقوق و دیون و منافع و محصول و اسباب تملك و ضمان»
«و دعاوی دیگر ۰۰۰۰۰» ده سال قرار داده است ولی در ماده ۷۴۱ میگوید: «مدت سرور زمان بترتیب زیر شروع میشود:

۱ - ۰۰۰۰۰

۲ - ۰۰۰۰۰

۳- راجع باستر داداماناتیکه محدود ب مدت معینی «نباشد و همچنین راجع بتعهداتی که برای انجام آنها مدتی «معین نشده یا عندالمطالبه باید انجام شود از تاریخی که «بوسیله اظهارنامه رسمی یا اقامه دعوی مطالبه شده است»
۴ - ۰۰۰۰۰۰

۱۱- در سایر دعاوی از زمانی که صاحب مال «یا حق یادائن مستحق مطالبه گردد»

«دبونی که برای پرداخت آن مدت معین نشده»
«یا عندالمطالبه باید داده شود مشمول بند سوم نبوده»
«از تاریخ دین سرور زمان شروع میشود .»

از موادفوق چنین نتیجه میشود که اگر کسی نزد بانک حساب سپرده ثابت مدت دار یا دیداری و یا حساب جاری با موجودی بستانکار داشته باشد و تا مدت ده سال از تاریخ آخرین بستن حساب مطالبه نکند پول مزبور ببانک تعلق خواهد یافت .

از طرف دیگر قانون اخیر در ماده ۷۴۲ میگوید:
«اگر مابین دائن و مدیون تفریح حساب شده و یاسند»
«مبادله شده باشد مدت سرور زمان از تاریخ تفریح حساب یاسند شروع میشود .»

بانکها در موقع بستن حساب صورتحسابی برای مشتری ارسال میدارند که وضع موجودی ادراتا آنروز نشان میدهد و میتوانیم شروع سرور زمان را از تاریخ صورتحساب اخیری که برای مشتری فرستاده شده است بدانیم بخصوص اگر گواهی درستی آن نیز از طرف مشتری ببانک رسیده باشد .

واضح است در صورتیکه مشتری فوت شود مقررات مواد ۷۵۳ و ۷۵۵ قانون نامبرده راجع بتعلیق سرور زمان مورد رعایت خواهد بود .
خاتمه - حسن رستار